

یه سرتیم (خشک و باحال!!) داریم که بار دبیری رو به دوش می‌کشه به اسم **حسین شکیب‌راد**. یکی هم هست به اسم **زهرا قربانی** که مثلاً دبیر تحریریه است ولی آچار فرانسه بیشتر بهش می‌خوره. این جنگولک بازی‌های گرافیکی هم که ضمیمه رو خوندمی تر کرده کار **فهمیمه کیان‌خواه**. هرچی عکس زشت و زیبا هم می‌بینید زحمت این آقاست: **سعید سجادی**. ولی دم همه نوجوون‌ها و جوون‌هایی که کمک کردن بابت تولید ضمیمه **نوجوون** گرم!



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۱ ■ ۳ بهمن ۱۳۹۸

نوجوون
ج.م.ج



پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید:
info@-
jamejamdaily.ir



شماره پیامک
۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگرم
با شماست

در پاسداشتِ خُشایانِ پارتنر!



رستم و همسر فردوسی و تمامی مردمان آن بلاد ایجاد نشد و عاقبت زبان فردوسی از تذکرات بسیاریش برای پاسداشت زبان، مود آورده و از همین درد جان همی باخت. ایشان را از مقابل خانه هنرمندان پاژ تشییع کردند و در قطعه شماره ۵ نام‌آوران طوس به خاک سپردند و تا ۱۰ قرن بعد از مرگ ایشان نیز مردم هرساله به صورت دسته‌جمعی پستی با محوریت ایشان می‌گذارند و با کپشن مشتک: فردوسی! فردوسی! راهت ادامه دارد و نیز هشتک #ضبان_پارتن_خوبط_ماصط، این روز ملی را گرمی می‌دارند.

یکی از روزهای سال ۳۷۸ هجری شمسی در حالی که مردم دهکده پاژ در «دکوپاژ» که نام شبکه مجازی شان بود؛ غرق همی بودند؛ دهقان زاده‌ای با محاسن جوگندمی ۶۱ هزارمین بیت شاهنامه‌اش را از خود بیرون کشید و بعد از ۳۵ سال از اتاق کاهگلی‌اش بیرون آمد. ناگاه فهمید پسرش را از دست داده و تمام آه‌هایش را باخته و طبیعتاً‌هی در بساطش نمانده است. کمی که از اتاقش بیرون‌تر آمد، با مشاهده همسرش ناگهان فریاد برآورد که:
«بسی رنج بردم در این سال سی» البته ادامه فرمایشاتش در قالب شعر نبود و گفت: آن ماسماسک مالشی چیست در دست؟
همسرش که بعد از ۳۵ سال از کار مرد خانه را می‌دید فریاد برآورد بی خیال مرد! از پیشرفت جهان بی خبری. تو برو به فکر نان شب باش.
آزرده مشو بانو. دیری نباید که این کتاب وضع‌مان را از این رو به آن رو می‌کند. بگذار ورق و جوهر بیاورم تا نامه‌ای به رستم بفرستم. کبوتر نامه‌رسان مان زنده است؟
واقعاً راست می‌گویی فری جان، پولدار می‌شویم؟ عجبم الان خودم لُستم را خبل می‌کنم.
فردوسی از ادبیات زن کیچ همی زد؛ اما همسرش با تلفن همراه خود به «دکوپاژ» رفت و گفت فری جان! بگو ببینم چه می‌خواهی

به رستم بگویم.
حکیم در عین تعجب گفت بنویس: (سلامی گرم از فردوسی طوسی، خطاب به ییل یلان، رستم بزرگ. چه خبرهایی از توران و ایران داری و کجای این آب و خاک به سر می‌بری؟)
زن اما این‌گونه مرقوم کرد: «(س خ چ کجای؟)
چه کردی زن، این تک‌واژه‌های بی‌مایه چیست که بر هم قطار کرده‌ای؟
همان‌هایی که توگفتی است. آن سین یعنی سلام، خ یعنی خوبی؟ چ خ هم یعنی چه خبر، باقی هم که معلوم است.
- اوف بر تو باد. زبان را به فنا داده‌ای، دریغ از زبان مادری، پارسی. اما بی‌شک رستم این اراجیف را متوجه نمی‌شود و برایمان عبارت «ماذا فاذا» را ارسال خواهد نمود.
چند دقیقه بعد....
فری جون بدو بیا، رستم جواب داده.
رستم:
من آکی ام. توپ توپم. داریم با رخس راجب جنگای آیند بحس می‌کنیم. راستی به فن پیچ زدیم برای آق ممود غزنوی، آخه تازه شا شده، آره دیگه بالاخره زندگی خرج داره.
حتماً فالوش کن: amo.mahmood.ghaznavi.fan.rostam
حکیم بعد از دیدن پیام رستم برآشفته و ۳۵ سال پیرتر شد و برای تنبیه او دست به شاهنامه برد و سهراب فرزند رستم را به دست خودش کشت. لکن هیچ تغییری در روند گفت‌وگوهای

عکس بی قاب

هر شماره یک عکس اینجا می‌گذاریم و شما می‌توانید شعر، جمله یا هر چیزی که در مورد آن به ذهن‌تان می‌رسد برای ما ارسال کنید. بهترین عبارات در شماره بعدی ضمیمه به اسم خودتان چاپ می‌شود.



جواب سوالات را در جدول پیدا کنید و حروف آنها را خط بزنید. برای پیدا کردن جواب اکثر سوال‌ها خواندن همین ضمیمه کافی است. در پایان رمز جدول را با حروف باقیمانده بسازید و همراه با اسم و فامیلتان به سامانه پیامکی ما بفرستید.

م	ح	م	و	د	غ	ز	خ
ا	ن	ا	ز	خ	ن	ن	ر
ر	م	ص	ر	ف	ه	و	خ
ز	و	ب	ا	ج	د	ی	و
م	گ	و	د	ز	ی	ل	ا
ا	ر	ر	ق	ت	ر	س	ن
ی	ب	ی	م	و	ج	ه	ن
ش	ه	ی	د	ز	ن	د	ه

- گفتیم که ما نیستیم.
- هم معنی شکیبایی
- باید الگوی خوبی برای پیدا کنیم.
- اندازه
- شخصیت اصلی داستان زبان بسته.
- صفتی که مقام معظم رهبری برای سردار سلیمانی به کار بردند.
- نامی برای نشریات مکتوب
- پاییز
- رستم ادمین فن پیچ که بود؟
- از القاب بچه‌های شیطان در دهه‌های گذشته.
- برخی به امثال معصومه درویشی می‌گویند:
- شبیه‌سازی شرایط جنگی

بیخشید شما؟

تشییع بی بدیل قرن!

این بند آخر را از زبان خودمان در وصف سردار شهید قاسم سلیمانی می‌گوییم. کسی که شاید مهم‌ترین نقش او را بتوان پایان دادن به حضور داعش در خاورمیانه دانست. کسی که در تمام طول عمر به وظیفه‌اش عمل کرد و با اینکه به قول هم‌زمانش همیشه بالگردها و پهبادهای دشمن بخصوص آمریکا در تعقیبش بود؛

دقیقاً زمانی شهادت او را انتخاب کرد که دیگر کارهایش را انجام داده بود و حالا با شهادتش هم آتش به جبهه دشمنان انداخت. تشییع جنازه بی بدیل او هم نشانمان داد که حتی خون او کارساز است و در میان مردم کشور هم اتحاد و همدلی ایجاد کرد. این چیزی است که حتی رسانه‌های خارجی و دشمنان او هم به آن اعتراف کرده‌اند. راهش پررهور!